

فصل نهم
مازند

شماره پنجم و چهارم

مفرد ۱۴۰۱



فہرست مطالب:

۳	معلم واقعی	صفحہ
۵	قدرت معنوی	صفحہ
۷	سقراط (بخش آخر)	صفحہ
۹	اثیری	صفحہ
۱۴	بچہ گریہ (تجربہ شیدا)	صفحہ
۱۶	آگاہی انسانی (بخش نخست)	صفحہ
۱۸	کارما، حیوان موکتی، بہاکتی	صفحہ
۱۹	خارپاشنہ (بخش دوم)	صفحہ
۲۳	درسی از مولانا	صفحہ

طراح نقش و جلد از:

شیدابانو «رینا»



معلم و مقلد



ملاک تشخیص یک استاد یا معلم واقعی، چیست؟

ابتدا باید به روند زندگی او توجه کنی.

اولین سؤال این است او چه کاری برای اک انجام داده است؟

زندگی او نشانه‌های مشخصی را دارد. اگر فکر می‌کنی تنها سخنان حکیمانه کسی تو را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را استاد یا معلم یا مبلغ می‌دانی، اشتباه می‌کنی.

کسی که در زندگی، از خود گذشته‌اش مشهود نیست، تمامی سخنان به ظاهر قدرتمند او، از نفس خودپرست اوست.

عموماً چنین افرادی در این سیاره بسیار هستند، اما تو باید هوشیار باشی.



یک استاد واقعی تو را به خود جذب نمی‌کند، بلکه سعی می‌کند در پشت تو قرار گیرد و تو را به سمت خدا همسو کند.

زمانی که زندگی استادان را مرور می‌کنی، آنها همه آنچه که داشته‌اند، تقدیم اک نموده‌اند.

در طول تاریخ شکنجه، زندانی و به دار آویخته شده‌اند یا بیشتر زندگی آنان در رنج‌های دنیا سپری شده است.

زمانی که مهدیس، واصل پنجم، تصمیم می‌گیرد همه آنچه هست را به سوگماد تقدیم کند، او به مسیر استادی قدم می‌گذارد.



او گورو می‌شود. گورو کسی است که قدرت الهی در درونش جهش نموده است.

اگر قرار باشد تنها با تفاسیر معنوی و توجیحات مفصل به معلمی گوش فرادهی که چیزی از خود برای خدا نداشته است، باید راهت را به بیراهه طی کنی.

چون کلمات او و سخنان پرشور معنوی او فاقد روحانیت الهی است، جانی در آن نیست او تنها احساسات معنوی تو را

تو را

فلسفه زندگی
با همت نامم
ما



معتمد



می بلعد و تغذیه می کند. او به تجربیات شکوهمند درونی اش می بالد.

ریبازار یک بار گفت: «تمامی تجارب درونی، زمانی که به کار گرفته نشده باشد و به عمل به اثبات نرسیده باشد، به یک سکه سیاه نمی آرزد».

هنگامی که در مقابل یک استاد اک قرار می گیری، باید مراقب باشی او را با باورهای ذهنیت مقایسه نکنی.

قدرت اک چنان نامحسوس از وجود او عمل می کند که تو توانایی تشخیص آن را نداری. در مقابل، مبلغین مذهبی و استادان دیگر از وجوهات الهی صحبت می کنند و به خود نسبت می دهند. آنها در جستجوی قدسیتی هستند که فاقد آن هستند.

شاخص گرایی بلای ذهن بیمار بشر است.

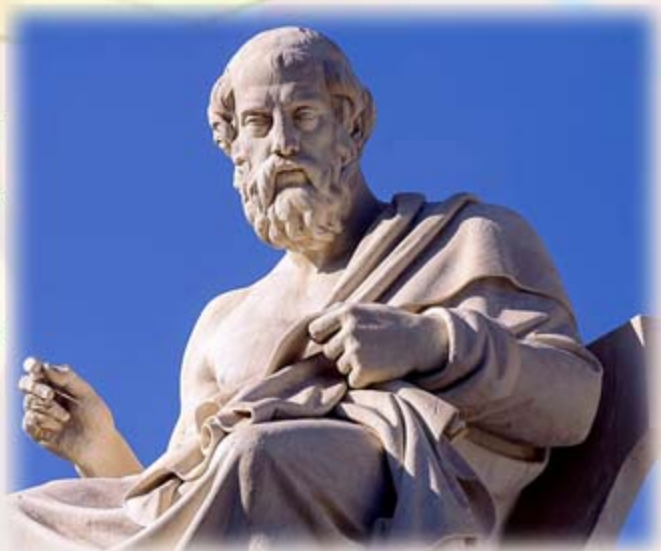
بیشتر این مبلغین در جستجوی جلب توجه دیگران هستند و برای این جلب توجه، همه کار می کنند.

در مقابل، یک گورو خویش را تبلیغ نمی کند. او به معلم گوش فرا داده است و آنچه که از او آموخته است، به کار گرفته است.

افلاطون روحی بود که روح تعالیم سقراط را جهانی کرد. او گورویی بود که نمونه بارزی از تسلیم به استاد خویش بود.

اگر می خواهی تسلیم را بیاموزی، در پناه ردای یک گورو بنشین و به او گوش کن.

او هنر تسلیم را به تو می آموزد.



برکت باشد

ما هفت نام



قدرت معنوی



قدرت معنوی یکی از سه ویژگی روح است. دو ویژگی دیگر، خرد و آزادی هستند و ما برای عبور از جهان‌های تحتانی به توانایی روح نیاز داریم. جهان‌های تحتانی شامل طبقه فیزیکی، اثیری، علی و ذهنی می‌باشد.

هر انسانی یا به عبارتی هر روحی این قدرت را داراست، مشروط بر اینکه آن را درک کند و توانایی استفاده از آن را به دست بیاورد. اما بسیاری از انسان‌ها به این قدرت آگاه نیستند. پس در اولین قدم ما باید بدانیم که این قدرت از چه چیزی تشکیل شده است و چگونه کار می‌کند.



این قدرت با تمام قدرت‌های جهان متفاوت و بالاترین سرچشمه آگاهی خداوند است که از درون آن ذات الهی بیرون می‌تراود و جاری می‌شود و توسعه فرد را ظهور می‌بخشد.

تا زمانی که شبدها مجرای برای یک هستند و در مسیر آگاهی رشد می‌کنند، می‌توانند این قدرت را کسب کنند و می‌توانند از آن برای مهار تأثیرات کالبدها استفاده کنند. زمانی که شخص با مسائل منفی مواجه می‌شود، باید از درون، به جای قدرت منفی از قدرت معنوی استفاده کند.



تمرینات معنوی قدرت معنوی را افزایش می‌دهد و به افراد کمک می‌کند که با دو وجهه از روح الهی (صوت و نور) ارتباط برقرار کنند. این وسیله‌ای است که در اختیار شبدها قرار داده شده است که خود را نیرومند سازند.

در شریعت کی سوگماد آمده است: «باید قدرت سهمگین نهفته خویش را فعال سازی تا بتوانی از بازی‌های ذهن رها شوی».

زمانی که قدرت الهی از مجرای ذهن عمل می‌کند، تبدیل به پرانا می‌شود، لذا قدرت معنوی باید از مجرای روح عمل کند. همان‌طور که گفته شده همه ما از این قدرت برخوردار

هستیم. پس تنها تفاوت یک فرد عادی با یک شبدا یا یک استاد یک در تشخیص و میزان به کارگیری آن است.

ما هفت نامه



قدرت معنوی



روند شکوفایی معنوی ما به تشخیص قدرت درون بستگی دارد. روح الهی تنها قادر است چیزی را به ما عطا کند که خود می توانیم دریافت کنیم.



اما همه ما این را می دانیم که یک راه عشق است، نه راه قدرت، اما با عشق می توان به قدرت معنوی دست پیدا کرد. وقتی که ما مجرای برای عشق هستیم، کیفیات اصلی روح را به دست می آوریم و این قدرت در این کیفیات است که ظهور می کند.

کسی که می خواهد از قدرت معنوی استفاده کند باید عشق عظیمی به خدمت به یک داشته باشد. «عشق»، منشأ دو کیفیت دیگر روح یعنی خرد و آزادی نیز هست. آن عشق عظیم اوست که او را مجرای برای جاری شدن این قدرت می سازد.

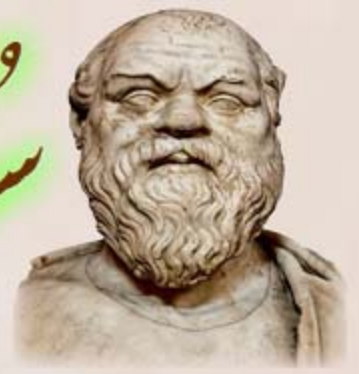
برکت باشد



فصل نهم
ما هفتادم



سقراط (بخش آخر)



این سری مقالات بر اساس مدارک تاریخی عمومی تهیه شده است و منابع آن از کتاب‌های اک نمی‌باشد. این مطلب صرفاً به این خاطر است که ما بدانیم، انسان‌ها این استاد اک را چگونه دیده و توصیف کرده‌اند.

در بخش قبلی به بررسی مکاتب تأثیر گرفته از سقراط پرداختیم و در این قسمت به بررسی مکاتب دیگر مرتبط می‌پردازیم.

مکتب کورناییان یا لذت‌گرایان، مکتب اخلاق را بر طبیعت و لذت استوار ساخت و نظریه لذت‌طلبی را پدید آورد.

آریستتیپوس کورنایی از سال ۴۱۶ در آتن بود. وی ظاهراً در کورن با تعلیمات پروتاگوراس آشنا شد. بعدها در آتن با سقراط نیز در ارتباط بود. پروتاگوراس سوفسطایی ممکن است تا اندازه زیادی مسئول این نظریه آریستتیپوس باشد که تنها احساسات ما حاوی معرفت یقینی هستند.



به نظر وی غایت رفتار باید به دست‌آوردن احساس‌های لذت بخش باشد. احساس عبارت است از حرکت. وقتی حرکت ملایم است، احساس لذت بخش است. وقتی خشن است، درد هست. وقتی حرکت قابل ادراک نیست یا وقتی اصلاً حرکتی وجود ندارد، نه لذتی هست و نه دردی. غایت اخلاقی باید لذت، یعنی غایت مثبت باشد. سقراط اعلام کرده بود که فضیلت تنها راه سعادت و نیکبختی است، ولی بر این باور نبود که لذت، غایت زندگی است، اما آریستتیپوس یک جنبه از تعلیم سقراطی را گرفت و بقیه را نادیده انگاشت.

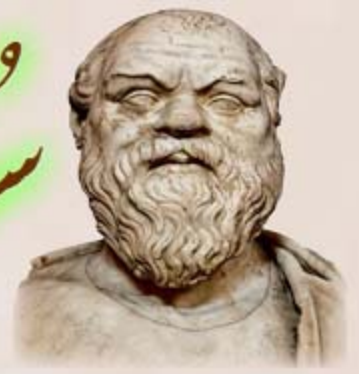
پس لذت بنابر باور آریستتیپوس غایت زندگی است. بنابراین کورناییان یا هدونیست‌ها به لذت جسمانی بیش از لذت عقلانی ارزش می‌نهادند، زیرا چنین لذتی شدیدتر و قوی‌تر است. واقع امر اما این است که کورناییان اعلام نمودند که آدم عاقل در انتخاب خود از لذت و آگاهی و شناخت، آینده را در نظر دارد.

بنابراین وی از افراط و زیاده‌روی مطلق که به درد و رنج منتهی می‌شود و نیز از ولنگاری که باعث کیفر از جانب دولت یا محکومیت عمومی خواهد شد، خودداری خواهد کرد.

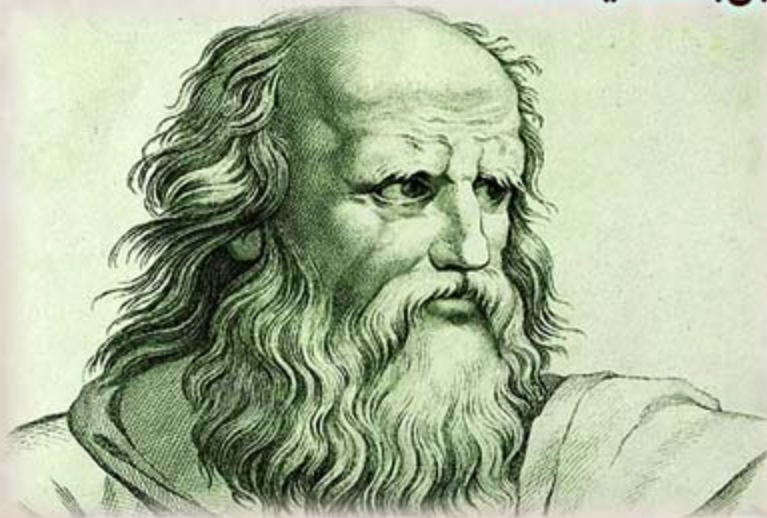
فلسفه زندگی
باشم شما
با



سقراط (بخش آخر)



افلاطون چون بر خلاف همه مکاتب یک جانبه، با عمق بیشتری از ژرفای اندیشه‌اش، جریان تفکر سقراطی را به سوی آینده سوق داد، مانند دیگران به بن بست نیفتاد.



اما در نهایت هیچ یک از این فلسفه‌ها، فلسفه و تفکر سقراط نیست، ولی همه اینها شاید به عنوان امکان، در اندیشه سقراط وجود داشته است و در تصویرها و درک‌های گوناگون که شاگردانش پس از او پدید آوردند، منعکس گردیده است.

تقریباً در نظر همه فیلسوفان قدیم با همه دشمنی‌هایی که بایکدیگر دارند، سقراط به عنوان فردی کامل مجسم است و به همین صورت در طول قرن‌ها ایستاده است.

خودشناسی سقراط راهی است به خداشناسی و سقراط دریافت که آدمی فقط با روحی پاک و دور از آلودگی هوس‌های زمینی می‌تواند به خداشناسی برسد.

تئودورت، تاریخ نگار و نویسنده مذهبی، در مورد سقراط می‌گوید: «آگاهی سقراط بر ندانستن، درون آدمی را برای پذیرفتن ایمان آماده می‌کند».

هرکسی پس از مطالعه روایات مختلف درباره سقراط، تصویری از او در ذهن نگاه می‌دارد. با آنکه هیچ روایتی را نمی‌توان بر دیگری ترجیح داد، ولی می‌دانیم که درستی اطلاعات ما درباره سقراط، مسلم نیست.



تا این جا بخشی از آنچه تاریخ، ادبیات و فلسفه از این استاد بزرگ یک می‌داند را بررسی کردیم. در پایان دانستن این نکته هم خالی از لطف نیست؛ گزنفون نیز از شاگردان معروف سقراط بود که قبل از دستگیری سقراط توسط خود او فراری داده می‌شود. براساس تحقیقات آقای کمال الماسی (بنیانگذار موسسه بنی)، گزنفون نیز به استادی در یک می‌رسد. نام او در یکی از تناسخ‌هایش سری ویل دورانت بود که کتاب‌های معروف تاریخ تمدن ویل دورانت از شاهکارهای او می‌باشد.

پایان

فلسفه بزرگوار است
با همه تناسخ‌ها



شبدر



این همان جهانی است که معمولاً ما در خواب و رویا، سفر روح و بعد از انتقالمان از جهان فیزیکی، ابتدا به آنجا سفر می‌کنیم و وارد این دنیا می‌شویم. رنگ نور این طبقه صورتی است و دارای بخش‌های متعددی می‌باشد که در اینجا به توضیحاتی در باب این بخش‌ها می‌پردازیم.

جهان اثیری دارای سه بخش است:

۱. بخش معنوی؛

۲. بخش مادی؛

۳. بخش روانی.



در دو سال اول ورود به اِک، شبدا

می‌بایست در جهت شناخت کافی طبقه‌ایثیری

تلاش کند تا بتواند بدون مشکل از این طبقه گذر کند.

چرا که این طبقه جاذبه‌های فراوانی دارد؛ به طوری که بسیاری جذب آن می‌شوند و در آنجا می‌مانند و گمان می‌کنند اینجا نهایت و غایت است و این امر باعث می‌شود که رشد معنویشان به تعویق بیفتد. حتی کسانی که با وصل دوم منتقل می‌شوند معمولاً جذب این مسائل می‌شوند و اِک را ترک می‌کنند.

طبقه‌ایثیری منشأ احساسات است که نه تنها شبداها بلکه واصلین حلقه‌ی بالا را هم می‌تواند درگیر خود کند.

همانطور که می‌دانیم طبقه‌ی فیزیکی منشأ پنج نفسانیات مخرب ذهن است (خشم، وابستگی، خودستایی، طمع، شهوت)، اما طبقه‌ی اثیری منشأ احساسات، عواطف، پدیده‌های روانی و کلاً



استرس‌ها است؛ به طور کلی هر حس مثبت و منفی است که انسان در وجود خود دارد.

مشکلی که شبدا در بدو ورود با آن روبرو می‌شود، تأثیرات این طبقه (اثیری) است. این موضوع حتی در رؤیاها و دریافت‌های درونی‌اش نیز می‌باشد.

طبقه‌ی اثیری یک لایه‌ی قدرتمند و یک فیلتر قوی است که ذهن کیهانی به وجود آورنده‌ی آن است و تنها راه گریز و رهایی از آن، کمک استاد درون است.

ما همت نام



اثر



منشأ همهٔ ادیان و مذاهب و فرقه‌ها و مکاتب اسرار نیز، طبقهٔ اثیری است. هر آنچه که ادیان و مکاتب مختلف می‌گویند، مشاهدهٔ آنها از جهان اثیری می‌باشد. به عنوان مثال؛ جوی‌های روان، فرشته‌ها، باغستان‌ها و کلاً بهشت و جهنم ادیان، در این جهان است. البته اینها در جهان اثیری وجود دارند، اما دائمی نیستند.



بر خلاف آن چیزی که ادیان و مذاهب به آن اعتقاد دارند، آنجا فقط یک نوع استراحتگاه موقت است تا روح دوباره

متناسخ شود و مسیر زندگی معنوی‌اش را طی کند. این بخش، بخش معنوی جهان اثیری است که ادیان توانسته‌اند در باره‌اش صحبت کنند. منتها غایت نیست.

بخش مادی طبقهٔ اثیری، بخشی است که هنوز توسط ادیان و مذاهب مکاشفه نشده است و آنها هیچ شناختی از آن بخش ندارند، فقط می‌توان گفت که عده‌ای معدود از عرفای قدیمی توانسته‌اند بخش مادی را کشف کنند. یکی از آنها کبیر بود که توانست صد و پنجاه زیر لایهٔ طبقهٔ اثیری را مکاشفه نماید.



بخش مادی طبقهٔ اثیری بسیار وسیع، مدرن و دارای تکنولوژی بسیار بالایی است و اینها را نباید با موجودات فضایی و یوفوها اشتباه گرفت، زیرا اینها بسیار پیشرفته‌تر هستند. تکنولوژی‌هایی که ما در زمین از آنها استفاده می‌کنیم، در حقیقت تفاله‌های تکنولوژی جهان اثیری می‌باشند که ما در اینجا از کپی آنها استفاده می‌کنیم.

فقط بخش مادی طبقهٔ اثیری بسیار وسیع و بزرگ و دارای صدها قاره می‌باشد که هر قاره‌اش شاید به اندازهٔ خود طبقهٔ فیزیکی می‌باشد. حالا زمین و منظومهٔ شمسی که خود بخش ناچیزی از طبقهٔ فیزیکی است. در این بخش مادی طبقهٔ اثیری که دارای وسعت بالایی است، ملت‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی وجود دارد که بسیار مدرن هستند. دیدار از

ما هم نام



اثر



این بخش با تکنیک سفر روح بسیار لذت بخش است.

اما در بخش روانی طبقهٔ اثیری بر خلاف بخش‌های مادی و معنوی، بیماری، گرسنگی، تشنگی و... مشابه زمین وجود دارد.



گردش کار ما در این طبقه خیلی سریع نیست و به همین علت کالبد اثیری می‌تواند هزاران سال دوام بیاورد. مثلاً اگر کارمایی تولید شد، در مدت زمان طولانی‌تری تسویه خواهد شد. ساکنین طبقهٔ اثیری به صورت تله‌پاتی با هم ارتباط می‌گیرند و با افکار با هم صحبت می‌کنند. کلامی به صورت زمینی با هم رد و بدل نمی‌شود و زبانی هم وجود ندارد. وقتی ما در کالبد اثیری هستیم، تمام زبان‌ها را می‌فهمیم. حتی وقتی با کالبد اثیری در طبقهٔ فیزیکی نیز گردش کنیم، همین‌طور است و تمام زبان‌ها و نوشته‌ها برای ما مانند زبان مادری هستند.

حرکت کردن هم در طبقهٔ اثیری متفاوت است؛ به دو صورت فکر و احساس می‌باشد، یعنی هر چیزی که احساس کنید، به وجود می‌آید و به هر چیزی فکر کنید فوراً خلق می‌شود. در حقیقت این طبیعت این طبقه می‌باشد. برای حرکت هم کافی است فکر کنید تا جابه‌جا شوید.

این امر می‌تواند خطرناک هم باشد، چرا که اگر شخصی در طبقهٔ فیزیکی طبق تعالیم اک نتوانسته باشد کنترل بر روی احساسات و فکرش را بیاموزد، در آنجا با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد، زیرا این طبقه بسیار حساس است و شخص حتی شاید نتواند حرکت کند.

به گفتهٔ استاد ریبارتارز؛ در آنجا هیچ‌کس مشکل زبان ندارد، چرا که همه با تله‌پاتی و انرژی فکر با هم صحبت می‌کنند و ارتباط می‌گیرند.



پس نقش اصلی در طبقهٔ اثیری، فکر و احساس است.

بخش روانی طبقهٔ اثیری یک بخش بسیار خطرناک است. کلاً افرادی که

ما هم نام ما هم نام ما هم نام



تفکر



در این بخش هستند، عموماً بیماران روانی هستند یا کسانی که داراری اختلال در حواس، پریشانی افکار، استرس می‌باشند، یا به شدت مشکل نفسانیات دارند؛ مثلاً معتاد به الکل، مواد مخدر یا سکس هستند.

بهشت و جهنم ادیان و مذاهب هم در زیرلایه‌های طبقه‌اثری می‌باشند. به گفته استاد ریبارتارز؛ جهنم به کوشش و تفکر و تجسم خود روحانیون به وجود آمده است، یعنی خدا آن را به وجود نیاورده است، بلکه خود ادیان با فکر و تجسم خود، سازنده بهشت و جهنم هستند.



همان‌طور که گفتیم در این طبقه

به هر چیزی که فکر کنیم، خلق خواهد شد.

بهشت و جهنم وجود دارد و توسط افکار و احساسات مذهبی خلق شده است. البته آنجا حالت پالایشگاه دارد که ذهن را پالایش می‌کند، بر خلاف گفته ادیان و مذاهب که می‌گویند شخص هر خطایی را مرتکب شود به جهنم می‌رود. به این صورت نیست، بلکه بستگی به نوع کارمای شخص دارد که در اثر آن کارمایک شیار ذهنی خیلی عمیق در ذهن او به وجود آمده که لازم است تسویه‌ای روی آن انجام گیرد تا آن شیار ذهنی باز شود.



کسانی که واصل‌اک هستند نباید نگران جهنم، کیفر و پاداش باشند، زیرا این مسائل مربوط به ادیان است و معتقدین به ادیان در این روند گرفتار می‌شوند. یک واصل‌اک بسته به نوع آگاهی خود در یکی از طبقات درون، مشغول خدمت به‌اک می‌شود.

هر نوع ترس، شک و تردید، حس مثبت و منفی؛ چه قوی و چه ضعیف، همه از بخش روانی طبقه‌اثری است. حتی بعضی از تفکرات و احساسات مثبت ما هم واقعیت ندارند و نفسانی است و ما نباید به آنها اعتماد کنیم.



شبدر



غیر ارگانیک‌ها (ان تی تی‌ها) هم در این این بخش روانی زندگی می‌کنند و می‌توانند ما را درگیر احساسات خوب یا بد کنند، یا صدمه‌های روانی به ما بزنند.



مواقعی برای شبدا پیش می‌آید که او دچار ترس و اضطراب می‌شود، در این مواقع او می‌تواند به استاد درون نامه‌ای بنویسد و درخواست کمک کند. در زمانی که ما به احساسات و فرمان تسلط داشته باشیم، می‌توانیم در مدار طبقهٔ اثری حرکت کنیم و به اصطلاح بر آن سوار باشیم، نه درگیر و معلول آن.

یکی از مشکلات بسیار بزرگی که برای شبدا

وجود دارد، احساسات است که یکی از خائن‌ترین کالبدها و

حس‌های انسان است و همچنین یک فیلتر قوی و بسیار قدرتمند است که همه با آن درگیرند. اگر این بارهای روانی تخلیه نشوند، تبدیل به سانسکارا می‌شود و کارهای زیادی تولید می‌شود و باعث به وجود آمدن تناسخ‌های متعددی خواهند شد.

برگشت



بچه گربه



چند ماه پیش نزدیک غروب، وقتی از سر کار به خانه رسیدم، با یک بچه گربه کوچک مواجه شدم. کمی با او بازی کردم و بعد به خیال اینکه حتماً مادرش می آید دنبالش تا جا به جایش کند، به خانه رفتم.



حدود دو ساعت بعد دیدم که هنوز هم صدایش می آید. هوا تاریک شده بود و خبری از مادر این بچه گربه نشده نبود و بیرون ماندنش هم جایز نبود، چون ممکن بود شکار شغالها و حیوانات دیگر شود. پس به خانه آوردمش و کمی آب و غذا به او دادم. از آنجایی که شرایط کاری ام ایجاب می کند که گاهی وقتها، چند هفته و یا بیشتر در مکان دوری از منزلم کار کنم، پس شرایط نگهداری از حیوان خانگی را ندارم.

علی رغم تلاشی که کردم نتوانستم کسی را متقاعد کنم که از این بچه گربه نگهداری کند. اگر به امان خدا می توانستم ولش می کردم، احتمالاً در آن محیط دوام نمی آورد، چون هنوز خیلی کوچک بود. به هر حال چاره نبود جز اینکه پیش خودم بماند تا از آب و گل در بیاید تا ببینیم چه تصمیمی می شود برایش گرفت.

حدود دو ماهی گذشت و خوشبختانه در آن مدت پرورده بیرون استانی نداشتیم و از خانه دور نبودم. البته خودم هم دچار یک آسیب دیدگی شدم که مزید بر علت شد و مجبور شدم زمان بیشتری را در خانه بمانم. پس گربه کوچولو هم زمان بیشتری پیشم ماند. البته در این مدت خیلی نزدیکش نمی شدم که رام و خانگی نشود.

جایی برایش درست کردم و داخل حیاط خانه می خوابید.

برای از آب و گل در آمدنش مجبور بودم روز به روز به او بیشتر سخت بگیرم تا بتواند به طبیعت برگردد. کم کم وعده غذاهایش را بیرون خانه و سر کوچه می گذاشتم. این باعث می شد گربه های دیگر هم کم کم بیایند به سمت غذایش و با او هم سفره می شدند.





گربه سبزه

چیرگی



این قضیه باعث می‌شد که بعضی مواقع عصبی شود و مجبور شود از حقش دفاع کند. گاهی شکست می‌خورد و گاهی پیروز می‌شد.

این وضعیت آن قدر ادامه پیدا کرد تا این گربه کوچولوی من توانست کم‌کم با دنیای بیرون ارتباط بگیرد. کمی بعد مجبور شدم چند روزی به شهر دیگری بروم. کمی نگران بودم و انگار پاهایم برای رفتن سنگین بود. حواسم در طول آن مدت پیش این گربه بود که نکند مشکلی برایش پیش بیاد.



اما دلم روشن بود که تنهایی از پس زندگی در خیابان بر می‌آید. در هر حال پس از برگشتم به سراغش رفتم، اما نتوانستم پیدایش کنم، اما بلاخره وقتی تو باغچه حیاط دیدمش، قوی و پرصلابت بود. یاد کودکی‌اش افتادم و روزهای سختی که پشت سر گذاشتیم تا به ثبات برسد؛ روزهایی که در شرایطی قرار می‌گرفت و نمی‌دانست چکار کند و من فقط باید دندان به روی جگر می‌گذاشتم و اجازه می‌دادم آن بچه گربه با آنها مواجه بشود. سخت بود، اما نتیجه‌بخش.

امروز پسرم بزرگ شده است، الآن دیگر بود و نبود من تأثیر به‌سزایی در ادامه زندگی‌اش ندارد.

این روایتی آشنا برای من بود. زمانی که به چند سال قبل خودم نگاه می‌کنم تا به امروز، می‌بینم اتفاقات، مشکلات، گرفتاری‌ها و بعضاً خوشی‌ها، صرفاً در جهت یک پله بالا رفتن بوده است.

برکت باشد

سخت، اما ارزشمند.

راهنمای
فکر بزرگ



آگاهی انسانی (بخش نخست)



آگاهی انسانی به پنج مرحله تقسیم می‌شود که در این سری مقالات نگاهی به این پنج بخش خواهیم انداخت.

عقل بشری اولین لایه از آگاهی انسانی می‌باشد.

عقل بشری در چرخه‌ای از استدلال و دلیل می‌تواند بقاء خود را تداوم بخشد، پس به این علت وابسته به شرایط زمان و مکان است که به وجود آورنده وقایع زندگی است. عملکردهای منطقی و عقل، بر پایه شرط به استدلال و برهان است. در صورت نبودن برهانی مشخص و دلیل کافی، عقل جوابگوی وضعیت ناشناخته‌ای نخواهد بود، بنابراین در جستجوی استدلال است تا بر اساس آن، وضعیت ناشناخته‌ای را قبول یا رد کند.



از دیدگاه دانش بنی، عقل اولین وضعیت آگاهی است که در حوزه فعالیت خود می‌تواند جوابگوی استدلالی منطقی از زندگی باشد. در حالی که زندگی مملو از ناشناخته‌های حکمت الهی است و حکمت الهی ماورای استدلال منطقی بشری است.

به جهت بهره‌برداری از یک عقل صحیح، باید موارد توانایی آن را نیز تشخیص داد. بنابراین تشخیص ظرفیت این هدیه الهی، لازم است.

دانش انسان همیشه بنابر استدلال و قوه ناکامل عقل و برهان و دلیل، در صدد مسجل کردن خدا به آن واقعیتی است که در سفره‌اش و بنابر نیازهایش جست‌وجو می‌کند.

اشتباه بزرگ انسان در این خرافه نهفته است که با تمسک به عقل می‌تواند زندگی را در درون خود بیافریند. دانش عقلانی بسیار مهم و مفید است، ولی جایگاه آن در نظام کلی عالم، جایگاه سرمنشأ یا روح الهی نیست.

این جهان صحنه نمایش عقل است. این نمایش جز بازی ذهن نیست. البته گستره بی‌پایانی فراسوی ذهن



بازمانده



آگاهی انسا (بخش نخست)



نهفته است که فقط روح به ظهور رسیده می‌تواند به آن وارد شود.

سوگماد، سرچشمهٔ کل عالم، در یکایک موجودات با تابناکی کمال خویش می‌درخشد، اما آدمی در درک درخشش معنوی سوگماد، ناکام می‌ماند.

ما اگر می‌توانستیم عقل را از این عرصه بیرون کنیم، خدا خود را همچون آفتاب جلوه‌گر می‌کرد و کل عالم را در نور و صوتی غرق می‌کرد که نوع بشر تاب دیدارش را نمی‌داشت.

اگر عقل و احساس و تفکر را از بشر بگیریم، او نابود می‌شود، در حالی که روح هیچ نیازی به چنین اهرم‌هایی برای ادامهٔ حیات خود ندارد.

برکت باشد



ادامه دارد...

فلسفهٔ بزرگواران
ماهی نهم ساله
ماهی نهم ساله

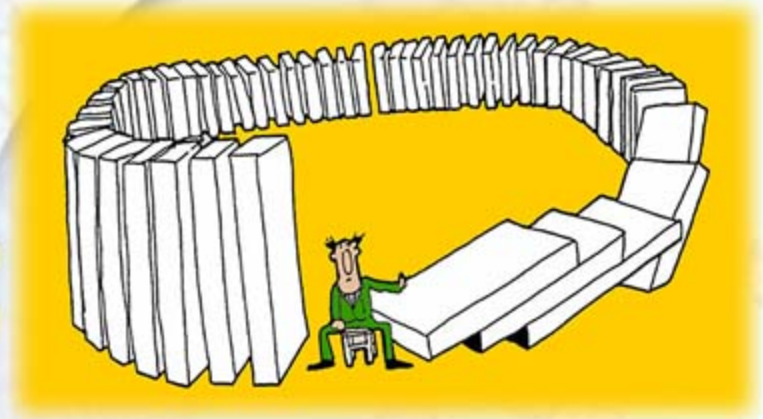


کار با جیوان موکتی، بھاکتی



قانون کارما می گوید:

عملی که انجام می دهی به سویت باز می گردد، اما بازگشت کارمای تو، من نیستم، بلکه خود تو هستی.



قانون جیوان موکتی (آزادی معنوی) می گوید:



«تو آزادی هر طور عمل کنی، اما مسئولیت اعمالت را پذیرا باش.

نه به عنوان گناه و عذاب وجدان یا پاداش، بلکه چه چیزی به تو اضافه شده است و در کجای مسیر خدا، تو را قرار داده است، توجه کن.»

قانون بھاکتی می گوید:

«عشق، برتر از کارما است.»

بنابر این عشق بورز، اما به این سه اصل توجه کن:

- عشق بدون توقع؛

- عمل با خلوص؛

- بخشش.



برکت باشد

ما با عشق و محبت
همیشه در کنار شما هستیم

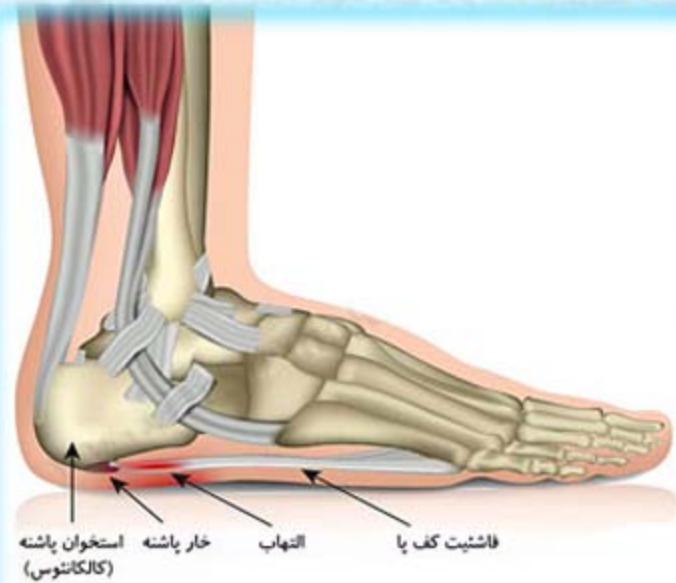


خشک شدن خامریا (بخش دوم)



علائم خار پاشنه:

معمولاً شایع ترین علامت خار پاشنه درد شدید و تیرکشنده در ناحیه پاشنه و کف پامی باشد. بسیاری از افراد ممکن است به خار پاشنه دچار باشند، اما هیچ وقت متوجه آن نشوند، چرا که هیچ علائمی در آن‌ها بروز نمی‌کند. اما در اغلب موارد شخص به پاشنه درد دچار می‌شود و این درد تنها به وجود زائده استخوانی مربوط نمی‌شود، بلکه معمولاً التهاب و کشیدگی فاسیت پلانتار در کف پا است که موجب بروز درد پاشنه می‌شود. البته ممکن است در ابتدای روند شکل‌گیری خار استخوانی، مغز استخوان تا حدودی متورم شود و این مسئله موجب احساس درد در پاشنه پا شود، اما با تکمیل روند شکل‌گیری زائده استخوانی، این حالت برطرف می‌شود. بنابراین علائم ناشی از خار پاشنه پا، در واقع همان علائم التهاب



فاسیت پلانتار در کف پا هستند که شایع ترین آنها به شرح زیر است:

• درد کف پا در نزدیکی پاشنه؛

• دردی که در اولین قدم‌های راه رفتن بعد از بیدار شدن از خواب، یا بعد از یک دوره طولانی بی‌حرکتی و استراحت (مثلاً بعد از یک رانندگی طولانی) شدیدتر است و بعد از چند دقیقه راه رفتن کمتر می‌شود، یا از بین می‌رود.

• احساس درد در پاشنه پا که در طول روز کم کم شدیدتر می‌شود؛

• احساس کوفتگی یا درد مبهم در پاشنه پا؛

• احساس خستگی شدید در پاها در پایان روز؛

• احساس درد در زیر پاشنه پا، هنگام راه رفتن روی سطوح سخت؛

فست زنده است
با همه نامها



پاشنه خاکی (بخش دوم)



• دردی که بعد از ورزش یا فعالیت و نه در حین ورزش و فعالیت، شدیدتر است.

اگر صبح که از خواب بلند می شوید، چند قدم اول شما دردناک است و بعد کم کم درد کم می شود و خصوصاً در یک پاشنه علائم دارید، احتمال خار پاشنه در شما بیشتر است.



اما تشخیص خار پاشنه به گونه ای است که متخصص، کف و مچ پا و سابقه پزشکی بیمار را بررسی می کند و معاینه کاملی انجام می دهد تا بتواند احتمال وجود هرگونه مشکل دامن زننده به درد پاشنه را رد کند و در نهایت تنها مسئله ابتلا به التهاب آرنگ کف پاباقی

بماند. البته اگر مشکوک به مشکلات کمر باشد باید نوار عصب و عضله انجام شود. به علاوه از تصویربرداری های تشخیصی، مانند پرتونگاری (اشعه ایکس) یا دیگر روش ها، به منظور تمایز قائل شدن بین گونه های متفاوت درد پاشنه استفاده می شود.

در صورتی که شخص به خار پاشنه دچار شده باشد، می توان این زائده استخوانی را که طول آن تا ۲ سانتی متر نیز می رسد را در تصاویر ساده رادیوگرافی مشاهده کرد، اما التهاب فاسیت پلانتر در این تصاویر قابل رؤیت نیست و این مورد در تصاویر اولتراسوند که از بافت نرم پا گرفته می شود، قابل رؤیت است.



تفاوت بین التهاب فاسیت پلانتر و خار پاشنه چیست؟ پلانتر فاسیتیس در واقع به معنای التهاب نوار فاسیت پلانتر در کف پامی باشد (نوار فاسیت پلانتر، یک نوار ضخیم و محکم است که در کف پا قرار دارد و از پاشنه پاتانوگ انگشتان کشیده شده است)، اما خار پاشنه به زائده استخوانی گفته می شود که در محل اتصال فاسیت پلانتر به استخوان پاشنه، شکل می گیرد. خار پاشنه پا در واقع



شنه خامریا (بخش دوم)



بر اثر مزمن شدن التهاب فاسیت پلانتار شکل می گیرد.

تدابیر پیشگیری کننده خارپاشنه:

- حفظ وزن طبیعی؛
- استفاده از دمپایی نرم در منزل؛
- پرهیز از ایستادن های طولانی؛
- کاهش فعالیت های آسیب زننده به پا؛



- انجام دوچرخه سواری و شنا به جای پیاده روی و دویدن؛

- استفاده از کفش مناسب؛

- کاهش اضافه وزن.

- راهکارهای درمانی؛

- استفاده از مسکن؛

- استفاده از داروهای خنک کننده و

ضدتورم؛

- تمرینات کششی: کشش برای ساق پا و ماهیچه های اطراف آن و همچنین فاشیا پلانتار می تواند به کاهش فشار بر روی پاشنه پا کمک کند.

- استراحت دادن پا؛

- پوشیدن کفش ارتوپدی؛

- استفاده از یخ و پدهای پاشنه پا؛

- تزریق استروئید (کورتون):





خشنه خارپا (بخش دوم)



تزریق استروئید یک ابزار کنترل درد است و درمان نیست. این تزریقات التهاب و درد را کاهش می‌دهد. این روش همیشه مؤثر نیست، چون ساختارهای زیادی که در پاشنه وجود دارد محل تزریق را سخت می‌کنند. اگر این درمان اشتباه انجام شود ممکن است علائم اصلی را بدتر هم بکند.

- جراحی به وسیله اشعه ایکس: در برخی موارد، خارهای پاشنه با جراحی به وسیله اشعه ایکس برداشته می‌شود. با وجودی که این عمل معمولاً مؤثر است، فرایندی وقت گیر و پرهزینه است. حتی بعد از عمل جراحی، خار پاشنه می‌تواند در صورتی که بیمار به همان سبک زندگی ادامه دهد، دوباره رشد کند.

ادامه دارد...



درس از مولانا



عاشقی به در خانه یارش رفت و در زد.

معشوق گفت: «کیست؟»

عاشق گفت: «من "هستم».

معشوق گفت: «برو. هنوز زمان

ورود خامان و ناپختگان عشق،

به این خانه نرسیده است. تو خام

هستی، باید مدتی در آتش جدایی بسوزی تا پخته شوی. هنوز

آمادگی عشق را نداری.»

گفت من، کفتش برو هم گایم
پر حسین حوامعام خایم نیست

کی پرو، کی وا اهرس از نفاق

خام را جز آتش، حبر و فراق

عاشق بیچاره برگشت و یکسال در آتش دوری و جدایی سوخت،

رفت آن مسکین و ساد سفر
در سراغ دوست سوزید از شر

فکر ز یاد کرد
با همت نام
ما



درس از مولانا



پخته گشت آن سوخته پس با گشت باز کرد خانه همسباز گشت

پس از يك سال دوباره به در خانه معشوق آمد و با ترس و ادب در زد. مراقب بود تا سخن بی ادبانه ای از دهانش بیرون نیاید.

حلقه زود بر در صبر ترس و ادب تا بخت سببی ادب لفظی نرب

عاشق بیچاره برگشت و یکسال در آتش دوری و جدایی سوخت،

با کمال ادب ایستاد.

معشوق گفت: «کیست در می زند؟»

عاشق گفت: «ای دلبر دلریا، تو خودت

هستی، تویی، تو.»

معشوق در باز کرد و گفت: «اکنون تو و

من یکی شدیم. به درون خانه بیا.



حالا یک «من» بیشتر نیست. دو «من» در خانه عشق

جا نمی شود.»

گفت اکنون چون می امن در آ

نیست کنجایی دو من را در سرا فرزند ارادت

با همت نام

صفحه ۲۴



درس از مولانا



مانند سرنخ که اگر دو شاخه باشد، درسوزن نمی رود.



نیست سوزن را سر رشته دوتا
چونک یکتا درین سوزن درآ
رشته را با سوزن آمد از تباط
نیست در خور با حمل اسم انخراط

بن گن فنبر از کتابت
مثنوی معنوی

فلسفه زندگی
با هفت نام
پادشاه

صفحه ۲۵

برنام بنی

نشریه **هامسا ماهنامه فرزندان اک** متعلق به بنیاد بنی فرزندان اک می باشد. این مؤسسه در کالیفرنیا آمریکا و چند کشور دیگر به صورت رسمی ثبت شده و دارای مجوز فعالیت می باشد. تمامی حقوق معنوی و مادی آثار فرزندان اک اعم از ترجمه کتاب سخنرانی و کتاب نوشته شده، مقالات، ست سنگ ها و کارگاه ها متعلق به اک (بنی) و بنیاد بنی فرزندان اک، از جمله کتاب های نوشته شده توسط بنیان گذار مؤسسه و متعلق به فرزندان اک است. بنابراین هر نوع استفاده از این آثار بدون هماهنگی با تیم مدیریت بنیاد بنی، تخلف معنوی محسوب شده و پیگیری خواهد شد.

مطالب این شماره نشریه برگرفته شده از مقاله ها و ست سنگ های اصلین برتر، مهدیس ها و آراها تاهای مجموعه بنیاد بنی، تجارب فرزندان، کتاب های اک، سایت های ویکی پدیا و خبری می باشد. این مطالب توسط تیم نشریه جمع آوری، ویرایش و به مقاله بدل گشته است.

افزون بر آن، مقاله ها و مطالب دیگر بر مبنای تحقیقات و دریافت های فرزندان اک و توسط ایشان تهیه شده است. ضمناً بعضی از تصاویر استفاده شده در مقالات توسط فرزندان اک طراحی و ترسیم شده است.

در صورتیکه که مایل هستید تجارب معنوی شما هم در شماره های بعدی نشر گردد، تجارب ارزشمند خود را به کاربری روابط عمومی در پیام رسان تلگرام ارسال بفرمایید. ضمناً چنانچه شعر، مقاله و یا مطلبی مرتبط با اک و یا مرتبط با مطالب نشریه، توسط شما تهیه شده است و مایل به انتشار آن در نشریه هستید، می توانید آنها را به همین کاربری ارسال فرمایید

همچنین می توانید نظرات و انتقادات خود را با ما از طریق همین کاربری یا ایمیل موسسه مطرح بفرمایید و یا برای آشنایی بیشتر با تعالیم بنی (اک)، ما را در وبسایت و صفحات شبکه های اجتماعی همراهی فرمایید.

وبسایت بنی : www.Bani-foundation.com

وبسایت کی اونکار : www.Ki-onkar.com

روابط عمومی : [T.me/Bani_Pr](https://t.me/Bani_Pr)

ایمیل روابط عمومی : Banifoundation.pr@gmail.com

لینک کانال های مجموعه : <https://linktr.ee/banifoundation>

برکت باشد

